

فرار سارقان نوجوان پس از قتل مرد رهگذر

تحقیقات پلیس با پی‌تخت برای بازداشت چهار سارق نوجوان که مرد میانسال را برای سرقت کیف‌دستی‌اش به قتل رسانده‌اند، جریان دارد.

به گزارش «جوان»، صبح دیروز چهارشنبه ۲۵ آبان زن جوانی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از جوان به اتهام قتل پدر میلسالش شکایت کرد.

شاکی گفت: «پدرم کارمند اداری بود و هر روز صبح به محل کارش می‌رفت و غروب هم دوباره به خانه برمی‌گشت.اوایل مرداد ماه امسال مثل همیشه پدرم از خانه‌مان در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران بیرون و به محل کارش رفت، اما دیگر برنگشت. وقتی دیر کرد با تلفن همراهش تماس گرفتم، ولی جواب نداد و بعد هم فهمیدیم که پس از پایان کار رازی خانه شده‌است، اما به طرز مشکوکی ناپدید شده‌است. چند ساعتی به جست‌وجوی پدرم پرداختیم تا اینکه از بیمارستانی با من تماس گرفتند و اعلام کردند پدرم در بیمارستان تحت درمان قرار داد.»

■ **سرقت مرگبار**

شاکی ادامه داد: سراسیمه خودم را به بیمارستان رساندم که پزشکان اعلام کردند پدرم چند ساعت قبل در حالی که زخمی بوده برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است، اما وضعیت خوبی ندارد و در کما است. همان روز متوجه شدم چهار پسر نوجوان داخل خیابان خلوتی به پدرم حمله و پس از ضرب و جرح کیف‌دستی او را سرقت می‌کنند. شاهد ماجرا مرد جوانی است که با بدین‌این صحنه به اورژانس و پلیس خبر می‌دهد و در ادامه پدرم را به بیمارستان منتقل می‌کند. پدرم چهار ماه بر اثر ضرب و جرح و ضربات چاقو به بدن و سرش در کما بود و در نهایت دو روز قبل در بیمارستان فوت کرد. من همان زمان حادثه‌ان سارقان به اتهام ضرب و جرح و سرقت کیف پدرم شکایت کردم، اما به نتیجه‌ای نرسیدم و سارقان شناسایی نشدند. الان هم از سارقان به اتهام قتل پدرم و سرقت کیف او شکایت دارم.»

■ **شاهد عینی**

باطرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس جنایی برای رسیدگی در اختیار کل آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام به دستور بازپرس جنایی به سراغ شاهد حاضر در قتل‌دوای و تحقیق کردند.

وی گفت: «روز حادثه داخل خیابان در حال عبور بودم که دیدم چهار پسر جوان حدود ۱۷ و ۱۸ ساله به مرد میانسالی انطرف خیابان حمله کردند. آنها کیف او را گرفته بودند و می‌خواستند از دستش برآیند، اما مرد میلسال در مقابل آنها مقاومت کرد که دیدم با چاقو او را زدند. این حادثه در کمتر از یک دقیقه رخ داد به طوری که من شوکه شدم.بدم و عکس‌العملی نتوانستم نشان دهم. فقط با داد و فریاد از چهار پسر جوان خواستم مرد میلسال را رها کنند. با داد و فریاد من چند رهگذر دیگر هم متوجه شدند و همگی به طرف مرد میلسال رفتیم و سارقان با بدین‌ما با سارقت کیف وی قرار کردند. وقتی بالای سر او رسیدیم، دیدیم خونین نقش بر زمین شده‌است و ما هم با اورژانس و پلیس تماس گرفتیم. فردی از مردم زخمی را با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردیم.»

با به‌دست‌آمدن این اطلاعات مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عاملان سرقت مرگبار آغاز کردند.

اعدام، مجازات عامل تعرض به نوجوان زرین‌دستی

عامل اصلی تعرض به نوجوان زرین‌دشتنی به اعدام محکوم شد و دو همدست او به مجازات‌های سنگین محکوم شدند. کاظم موسوی، رئیس کل دادگستری استان فارس گفت: سه متهم پرونده تعرض به نوجوان زرین‌دشتنی در دادگاه کیفری یک استان فارس محاکمه شدند. عامل اصلی تعرض به نوجوان ۱۶ساله به اعدام و ۱۰ سال حبس محکوم شد و دو متهم دیگر هم کدام به ۱۰ سال حبس، ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال تبعید محکوم شدند.

شامگاه ۱۹ شهریورماه، حادثه‌ای هولناک در شهرستان زرین دشت استان فارس اتفاق افتاد. امیرحسین خادمی، نوجوان ۱۶ ساله که بعد از مدرسه در یک مکانیکی کار می‌کرد، هدف نقشه شوم صاحبکار و دو نفر از دوستان او قرار گرفت. پسر نوجوان در حالی که از آسیب‌های روحی بسیار رنج می‌برد، به زندگی خود پایان داد.

مرگ امیرحسین خشم عمومی را به همراه داشت، به‌طوری‌که پرونده در خارج از نوبت تشکیل شد و عاملان حادثه بازداشت و به سرعت محاکمه شدند.

وعده ۳۰میلیارد تومانی برای پرتاب کوکتل مولوتف

یکی از اغتشاشگران بازداشت شده تهران مدعی است با وعده دریافت ۳۰میلیارد تومان شروع به ساخت و پرتاب کوکتل مولوتف کرد.

به گزارش «جوان»، متهم بازداشت‌شده در جریان اغتشاش‌های تهران گفت که تحت تأثیر رسانه‌های معاند قرار گرفته‌است. وی ادامه داده که با وعده دریافت ۳۰ میلیارد تومانی شروع به ساخت و پرتاب کوکتل مولوتف کرده‌بود، اما چیزی عایدش نشده‌است، متهم با اشاره به الهام گرفتن از اینستاگرام، تلگرام، سایت‌ها و رسانه‌های بیگانه برای بروز اغتشاش گفت: وعده‌های داده شده در فضای مجازی از جمله دادن گرین کارت را باور کردم که متأسفانه آخرش متوجه شدم همه آنها دروغ و فریب بوده‌است.

کشف شامپوهای هروئینی در فرودگاه

فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور از کشف ۱۴کیلوگرم هروئین که در بطری‌های شامپو جاساز شده بود، خبر داد.

سردار محسن عقیلی گفت: کارکنان پلیس فرودگاه بندرعباس موفق شدند فردی را که باجیر کردن چند نفر قصد انتقال مواد مخدر به کشورهای حوزه خلیج فارس را داشت، شناسایی و بازداشت کنند. وی ادامه داد: مأموران پلیس با بهره‌گیری از تجهیزات کمک بازرسی اقدام به بررسی چمدان این فرد کردند و در جریان آن تعداد ۱۳ بطری شامپو که در آن مواد مخدر هروئین به شکل ماهرانه‌ای جاسازی شده بود، کشف و ضبط شد. سردار عقیلی با بیان اینکه ۱۴ کیلو هروئین در جریان این عملیات کشف شده‌است از بازداشت پنج نفر در این باره خبر داد.

■ **غلامرضا مسکنی**

پسر زیرک وقتی با پلیس قلابی روبه‌رو شد در قرار ساختگی او را به دام مأموران پلیس انداخت. عصر روز سه‌شنبه ۲۴ آبان، پسر جوانی در تهران به کلانتری ۱۸۱ و ردآور دفت و برای بازداشت مرد مأمورنمایی درخواست کمک کرد و گفت، پلیس قلابی تا ساعتی دیگر در یکی از خیابان‌های غربی تهران با او قرار ملاقات گذاشته است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «دایقی قبل در نزدیکی پارک چیتگر در حال عبور بودم که مرد جوانی راه مرا سد کرد. وی گفت پلیس مخفی است و مأموریت دارد گوشی‌های سرقتی را ردیابی و سارقان را دستگیر کند. مرد جوان به من گفت تلفن همراه مرا ردیابی کرده و متوجه شده که سرقتی است و باید همراه او به اداره پلیس بروم. در حالی که از حرف‌های او شوکه شده بودم، گفتم که تلفن همراهم را چند روز قبل خریده‌ام و فاکتور و کارت آن هم موجود است، اما الان همراه نیست. مرد جوان به حرف‌های من توجهی نکرد و حرف‌های خودش را تکرار کرد و گفت، سارق تلفن همراهی که من خریده‌ام با کارت ن سرقت کرده و با کارتش فروخته است. او گفت باید با تلفن همراهم به مرکز تماس و استعلام نهایی را بگیرد و من هم تلفنم را در اختیار او گذاشتم. مرد مأمورنما تماسی گرفت و ثانیه‌ایی با فردی حرف زد و وقتی تلفن را قطع کرد، گفت مرکز اعلام کرده

هوشیاری شاکی

پلیس قلابی را گرفتار کرد

که تلفن من سرقتی است و باید همراه او به اداره

پلیس بروم.»

■ **رشوه چند میلیونی**

پسر جوان ادامه داد: «او ادا کرد خودروی پلیس در خیابان بغلی منتظر است و مرا مجبور کرد همراهش بروم، اما هنوز چند قدمی برنداشته بودیم که پیشنهاد رشوه داد. پلیس قلابی گفت اگر همراه او به اداره پلیس بروم برای من پرونده تشکیل می‌شود و سابقه‌دار می‌شوم، اما اگر ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به او بدهم، او موضوع را نادیده می‌گیرد. من از اول به او مشکوک بودم، اما وقتی در خواست رشوه داد، مطمئن شدم او پلیس قلابی است و تصمیم گرفتم او را به دام مأموران بیندازم. من طوری رفتار کردم که فکر کند من به او مشکوک نشده‌ام و با التماس از او خواستم مبلغ رشوه را کم کند. من به او گفتم الان پول همراهم نیست و پیشنهاد دادم مدرک شناسایی گرو بگذارم و تا ساعتی دیگر برای او پول فراهم کنم. مرد مأمورنما قبول کرد و با من بی‌رم، وقتی از او جدا شدم بلافاصله به کلانتری آمدم تا همراه مأموران سر قرار برویم و پلیس قلابی را دستگیر کنیم.»

■ **قرار اخادی**

پس از طرح این شکایت، مأموران پلیس همراه پسر جوان راهی محل قرار شدند و به صورت نامحسوس محل را تحت نظر گرفتند. دایقی بعد پلیس قلابی به امید اینکه از پسر جوان اخادی کند در محل حاضر شد، اما خبر نداشت تا

دقایقی دیگر زیرکی شاکی، او را در دام مأموران پلیس گرفتار می‌کند. مأموران وقتی مرد مأمورنما را در حال صحبت با پسر جوان دیدند در اقدامی غافلگیرانه او را به دام انداختند و به کلانتری منتقل کردند.

متهم که چاره‌ای جز اعتراف نداشت، مدعی شد که به خاطر هزینه بیماری خواهرش نقشه اخادی را طراحی و اجرا کرده است. وی در ادعایی گفت: «مدتی قبل خواهرم به بیماری سختی مبتلا شد و هزینه درمانش زیاد بود. من و خانواده‌ام پولی برای درمان او نداشتیم، به همین خاطر مجبور شدم برای هزینه درمانش از مردی ۱۳ میلیون تومان نزول کنم. قرار بود پول را چند ماهه با سودش برگردانم، اما نتوانستم به نصل پول و نه سود آن را به صاحبش برگردانم. هر روز به سود پول او افزوده می‌شود تا جایی که الان ۲۶ میلیون تومان شده است. خیلی تلاش کردم از فرد دیگری پول قرض بگیرم، ولی کسی به من پول نداد. مدتی بود حیران و سرگردان بودم تا اینکه هنگام تماشای فیلم سینمایی متوجه شدم مردی در پوشش مأمور پلیس از مردم اخادی می‌کند و من هم تصمیم گرفتم به این شیوه از شهروندان اخادی کنم و به‌هی‌ام را به مرد نزول‌خور پس بدهم.»

وی ادامه داد: «من هر روز داخل خیابان‌های خلوت پرسه می‌زدم و به دنبال طلعه می‌گشتم تا اینکه ساعتی قبل پسر جوانی را در خیابان خلوتی دیدم که تلفنی در حال حرف زدن بود، به او نزدیک شدم و خودم را پلیس معرفی کردم و



مدعی شدم تلفن همراهش سرقتی است. من خیلی خوب نقش پلیس را بازی کردم، اما شاکی پسر زیرکی بود و مرا در قرار صوری به دام انداخت.» متهم پس از اعتراف به دستور قاضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. تحقیقات درباره سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

■ **جلسه محاکمه و تبرئه اتهام**

با اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی حشمتیان، پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «عروسم مادر نوه‌ام، بود به همین خاطر به شرط پرداخت دیه اعلام گذشت می‌کنم و قصاص نمی‌خواهم.» بعد از این درخواست، اما مادر مقتول گفت راضی به گذشت نیست و درخواست قصاص دارد. در ادامه متهم به جایگاه رفت و جرمش را انکار کرد. او در دفاع از خود گفت: «در همه مراحل بازجویی گفت‌ام شوهرم را نکشته‌ام. قبول دارم با هم اختلاف داشتیم، اما راضی به مرگ او نبودم. او پدر دخترم بود و هیچ‌وقت راضی نبودم دخترم این روزها را ببیند.»

در ادامه مرد پزشک نیز به جایگاه رفت و با انکار جرمش گفت: «من مقتول را ندیده‌بودم و با او هیچ اختلافی نداشتیم. رابطه من با همسر او نیز کاری بود و همین چند تماس مرا به دادگاه کشانده‌است. در قتل نقشی نداشتیم و اتهام را قبول ندارم.» با انکار متهمان، اولیای دم در جواب سؤال ریاست دادگاه درباره اینکه حاضر هستید برای گناهکار بودن متهمان قسم بخورید یا قسم متهمان را قبول دارید، گفتند: «حاضر به خوردن قسم نیستیم. قسم متهمان را هم قبول نداریم.» در آخر هیئت قضایی وارد شور شد و با مرور برگه‌های پرونده از آنجایی که ردی از اتهام برای همسر مقتول و پزشک میانسال وجود نداشت، حکم تبرئه آنها را صادر کردند.



متعددی با پزشک میانسالی به نام محمود داشته‌است، بنابر این شراره به عنوان اولین مظنون تحت بازجویی قرار گرفت. او با اقرار به اختلاف و درگیری با شوهرش مدعی شد از مرگ شوهرش اطلاعی ندارد و گفت احتمالاً او با خوردن قرص خودکشی کرده‌است. آن زن درباره تماس‌های مکرر با مرد پزشک نیز گفت که دربار مسائل کاری با او تماس گرفته‌است. با ثبت این اظهارات، پزشک میانسال نیز بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت: «از قبل شراره را می‌شناختم و مدتی با هم رابطه کاری داشتیم. آن شب هیچ تماسی با او نگرفته بودم، وقتی

فهمیدم سعید فوت کرده‌است، شوکه شدم. او مردی سرخوش و اهل تفریح و ورزش بود. شنیدم شب حادثه من با دوستانش به فوتبال رفته و از سلامت جسمانی خوبی برخوردار بود. از اجرای قتل اطلاعی ندارم.» با ثبت این توضیحات اما شکایت اولیای دم و شواهد و قرائن موجود، شراره به اتهام مشارکت در قتل و مرد پزشک به اتهام درباره مسائل کاری با او تماس گرفته‌است. معاونت صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. دو متهم با تعیین شعبه در وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی شعبه یازدهم دادگاه حاضر شدند.

گوشی تلفن همراه سردهسته آدمربایان در محل جاماند

■ **رها در بیابان**

شاکی ادامه داد: «وقتی اردشیر به محل آمد، متوجه دو مرد غریبه شدم که با برو و چشمانشان به هم اشاره می‌کردند، اما خبر نداشتیم آنها چه نقشی‌ای برای من دارند. لفظاتی بعد دو مرد به من و دو دوستم حمله کردند و با تهدید چاقو ما را در داخل خودرویم کشاندد. آنها دست و پای ما را با طناب بستند و سپس یکی از آنها پشت فرمان خودروی من نشست و به راه افتاد. آنها ما را تهدید به مرگ کردند و گفتند اگر حرکتی کنیم ما را با چاقو می‌کشند. من همان اول به دوستم مشکوک شدم و احتمال دادم او نقشه آدمربایی را طراحی کرده باشد، اما آدمربایان، او را کتک زدند تا من متوجه نقشه آنها نشوم. به هر حال ساعتی بعد آنها مرا با دست و پای بسته در بیابان‌های اطراف تهران رها کردند و با سرقت تمامی پول‌ها، همراه دوستم با خودروی من از محل دور شدند. به سختی دست و پایم را باز کردم و با خودروی عبوری خودم را به تهران رساندم. الان من به دوستم مشکوک هستم و احتمال می‌دهم او با همدستی دو مرد دیگر این نقشه را طراحی و اجرا کرده باشد.»

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سواری تویو تا کرو لا ۱۸۰۰ GLI رنگ سفید مدل ۱۹۹۰ به شماره پلاک ایران ۳۸-۹۵۵۶۵۳-۹۵ و شماره شاسی ۹۰۰۳۲۶۸۹۰ و شماره موتور ۲۱۲۳۸۰۳ متعلق به زهرار حیمی سلیم آباد باکد ملی ۰۳۱۰۰۹۰۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
ایبز

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی و کارت ماشین سواری ایتیمیا مدل ۲۰۱۰ به شماره شاسی kNAGH۴۱۷BA۵۴۴۸۷۱۵ و شماره موتور G۶EAA۴۸۸۵۹۶ و شماره پلاک ایران ۵۹/۴۴۱/۵۱ به رنگ برنزی (قهوه‌ای) به نام لیلا خانه گیر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.
گستان



حسین فصیحی

پیشگیری بهتر از درمان

یکی از شعارهای حوزه سلامت «پیشگیری بهتر از درمان» است. شعاری اساسی که توجه به آن مانع هدررفت هزینه‌های مادی و روانی می‌شود. به خطر افتادن سلامت جسم، پیامدهایی مثل از دست رفتن سلامت روان فرد بیمار، نگرانی خانواده، دوستان و هدررفت هزینه‌های بسیار را به دنبال دارد. از همین‌رو کسانی که حفظ سلامت را مورد توجه قرار می‌دهند در مباحث مطرح شده حوزه پیشگیری اهتمام دارند. موضوعات مطرح شده در بستر اجتماعی هم اقتباسی از همین شعار دارد، به این مضمون که هر جا به این توصیه عمل شود، دریافت کنندگان خدمات از آن رضایت دارند و هر جا این توصیه محلی از اعراب نداشته باشد، نارضایتی دریافت کنندگان خدمات را به دنبال خواهد داشت.

جامعه ما این روزها با آسیب‌های بسیاری دست به گریبان است که ریشه در بی‌توجهی به امر پیشگیری دارد. سوانح رانندگی سال‌های زیادی است که بخش مهمی از جمعیت کشور را که سرمایه انسانی به حساب می‌آید، به هدر می‌دهد. مرگ سالانه ۱۷ هزار نفر و معلول و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ هزار نفر آماری نیست که بتوان به آسانی از کنار آن عبور کرد، اما ساختارهای مدیریتی به راحتی آب خوردن از کنار این آمارهای هولناک عبور می‌کند. براساس گزارش پلیس راهور، مرگ هر شهروند در جریان این سوانح، ۵ میلیارد تومان به تولید ملی کشور خسارت وارد می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا ساختار مدیریتی حاضر است این هزینه کلان به کشور تحمیل شود، اما در حوزه پیشگیری هزینه‌ای نشود؟ آنگونه که همواره در شرح چرایی وقوع این سوانح آمده، این دلایل سه ساختار عامل انسانی، وسیله نقلیه و جاده را شامل می‌شود که مباحث بسیاری درباره آن مطرح شده است. خودروهای مونتاژ داخل معروف به ا راه‌های مرگ، متهم اصلی پرونده سوانح رانندگی هستند که چرخ‌هایشان به قیمت گراف در جاده‌های تالایم می‌چرخد و قربانی می‌گیرد. بنابرین تا زمانی که نشود از چرخش این خودروها در جاده‌ها جلوگیری کرد، نمی‌شود به کاهش سوانح هم امید داشت.

سرقت، کلاهبرداری، مصرف مواد مخدر، یله بودن فضای سایبر، زمین‌خواری، ساخت و سازهای غیر مجاز و آسیب‌هایی از این دست که مدام درباره آن گزارش‌های خود را مطرح می‌کنیم، پیوسته‌هایی دارند که آسیب‌های آن به دلیل بی‌توجهی به امر پیشگیرانه به بستر اجتماعی وارد می‌شود و قربانی می‌گیرد.

پیشگیری و آسیب‌هر در نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. هزینه‌هایی که صرف امور پیشگیرانه نمی‌شود به عنوان سرمایه در خدمت کشور قرار می‌گیرد، اما سرمایه‌هایی که صرف آسیب می‌شود، سرمایه‌های عمومی را به هدر می‌دهد و مصداق این ضرب‌المثل است که از کوزه آنچه تراود که در اوست.



پرواز کامیونت در بزرگراه ناتمام ماند

برخورد شدید دو دستگاه خودروی سواری با یک دستگاه کامیونت در بزرگراه آزادگان دو مصدوم بر جای گذاشت.

ساعت ۹ صبح روز گذشته آتش‌نشنان ایستگاه ۸۱ حادثه رانندگی در شرق به غرب بزرگراه آزادگان بعد از پل شهید کاظمی باخبر و در محل حاضر شدند. افراسیاب خیردست، فرمانده آتش‌نشنان گفت: «بررسی‌ها نشان داد دو دستگاه خودروی سواری دنا و پراید با یک دستگاه خودروی باری کامیونت به علت ناملعومی با یکدیگر برخورد کرده بودند، به‌طوری‌که در جریان برخورد، خودروی سواری پراید واژگون و سواری دنا از قسمت جلو به شدت آسیب‌دیده بود.»

وی ادامه داد: «خودروی کامیونت هم پس از برخورد با گاز دریل و چراغ روشنایی از جوی آب بین بزرگراه عبور کرده و به صورت معلق روی بلوک‌های سیمانی متوقف شده بود.» خیردست همچنین گفت: «سر نشینان خودروهای حادثه‌دیده پیش از رسیدن امدادگران از کابین خودروها خارج و به حاشیه امن بزرگراه منتقل شده بودند.» وی افزود: «امدادگران همزمان با ایمن کردن محل، خودروهای حادثه‌دیده را به محل امن منتقل کردند و دو نفر از رانندگان را که دچار مصدومیت شده بودند به بیمارستان رساندند.» علت حادثه در دست بررسی است.